

آیین‌کشورداری از دیدگاه امام علی علیه‌السلام

تألیف:

آیة‌الله حاج شیخ محمد فاضل لنکرانی

تقریر و تنظیم:

حسین کریمی



دفتر نشر فرهنگ اسلامی

فهرست مطالب

- پیشگفتار ۱۳
- مختصر آشنایی با زندگی مؤلف ۱۳
- تألیفات استاد ۱۸
- مبارزات سیاسی استاد ۲۰
- دربارۀ متن حاضر ۲۱

- بخش اول:
- مالک اشتر و حکومت مصر ۲۳

- نهج البلاغه ۲۵
- عهدنامه مالک اشتر ۲۷
- شخصیت مالک اشتر نخعی ۲۹
- شخصیت مالک از دیدگاه رسول الله (ص) ۳۱
- وصفی هم از زبان دشمن ۳۳
- موقعیت و فرهنگ و تمدن مصر ۳۴
- شهر اسکندریه ۳۴
- پیشرفت و انحطاط ۳۶

- ۳۸ اوضاع سیاسی مصر
- ۴۳ دو حادثه مهم در مصر بعد از اسلام
- ۴۴ ارزش و اهمیت مصر هر روز آشکارتر می‌شد
- ۴۶ علی (ع) اوضاع مصر را سروسامان می‌بخشد
- ۴۸ شهادت محمد بن ابی بکر و پیامدهای آن

● بخش دوم:

- ۵۱ کشورداری از نظر امام علی علیه السلام
- ۵۳ برخورد با نهج البلاغه
- ۵۸ قلمرو حکومت و ولایت
- ۶۰ سیستم متمرکز یا ...؟
- ۶۲ اهمیت تقوی در قرآن
- ۶۲ مفهوم تقوی
- ۶۵ مراتب تقوی
- ۶۷ راه سعادت، راه شقاوت
- ۶۸ ابعاد تقوی
- ۶۹ جهاد اکبر
- ۷۱ امدادهای غیبی در سایه یاری الله
- ۷۱ خواست درونی، نه اجرای تحمیلی
- ۷۴ وعده تخلف ناپذیر الهی
- ۷۵ خود فراموشی
- ۷۷ پاداش صالحان در دنیا
- ۷۹ نام نیک: سند اخروی صالحان
- ۷۹ اهمیت عمل صالح
- ۸۰ عمل صالح چیست و صالحان کدامند؟
- ۸۲ درونگرایی و مالکیت نفس
- ۸۴ تعدیل غرایز
- ۸۴ اسلام و مدعیان دروغین حقوق بشر
- ۸۶ انگیزه‌های فساد و آلودگی

- ۸۷ مفاهیم عصمت، عدالت، فسق
- ۸۸ آیا معصوم نمی‌تواند مرتکب گناه شود؟
- ۸۹ رمز عصمت در حال نسیان
- ۹۰ خشونت با مردم در حکم جنگ کردن با خداست
- ۹۱ دیکتاتوری
- ۹۱ استکبارزدایی
- ۹۲ تفرعن و منیت
- ۹۶ «اشتباه در اشتباه» برای ...
- ۹۸ رعایت انصاف و عدالت و مبارزه با ظلم
- ۱۰۲ انصاف با مردم
- ۱۰۳ ظالم با چه کسی طرف حساب است؟
- ۱۰۵ تعمق و ژرفنگری در بلاغت کلام
- ۱۰۶ شکست قطعی ظالم
- ۱۰۷ توبه ظالم
- ۱۰۸ تأثیر ناله مظلوم
- ۱۱۰ معیارهای تصمیم‌گیری حاکم
- ۱۱۱ اینهمه تکیه بر رضایت و خشنودی توده مردم، چرا؟
- ۱۱۱ ویژگی‌های عامه و خاصه و نقش هریک در حکومت
- ۱۱۲ بار سبکتر، کمک بیشتر
- ۱۱۳ پذیرش عدل و انصاف
- ۱۱۳ سپاس و تشکر در مقابل نعمتها
- ۱۱۳ پذیرش عذر و عدم اصرار
- ۱۱۴ صبر و استقامت در مقابل مصائب
- ۱۱۵ پیکارگران رهایی
- ۱۱۶ تداوم حکومت با طرد سخن‌چینان
- ۱۱۸ رازداری و خطاپوشی
- ۱۱۸ خطرناکترین ترفند امپریالیسم
- ۱۱۹ گره‌گشایی
- ۱۲۰ رایزنی در اسلام
- ۱۲۲ معیارهای اخلاقی مشاوران

- دولتمردان ۱۲۴
- برتری نیروهای حزب الله ۱۲۵
- برگزیده ها ۱۲۶
- مدیریت صحیح در نظام اسلامی ۱۲۷
- اعتماد به مردم ۱۲۸
- سنتهای مشروع و نا مشروع ۱۳۰
- آفت دولتمردان و راه پیشگیری آن ۱۳۱
- مکتبی بودن یا تخصص داشتن؟ ۱۳۲
- سرنوشت مشترک افراد جامعه و... ۱۳۲
- قوام هر یک از اقشار جامعه... ۱۳۴
- تفکیک قوا و تقسیم کار براساس شایستگیها ۱۳۶
- ویژگیهای فرماندهان سپاه اسلام ۱۳۷
- مهمترین خصائل فرماندهان عالی و برگزیده ۱۴۲
- استمرار دولت ۱۴۴
- تشویق، انگیزه تلاش بیشتر ۱۴۵
- آفت تبعیض ۱۴۷
- جایگاه قرآن و سنت در جامعه اسلامی ۱۴۸
- مفهوم سنت ۱۴۹
- مفهوم محکم و متشابه در قرآن ۱۴۹
- احتمال تشابهات در سنت ۱۵۰
- اهمیت قضا و شخصیت قاضی در اسلام ۱۵۱
- وظایف رهبر در برابر قضات شایسته ۱۵۴
- حاکمیت ضابطه به جای رابطه در... ۱۵۵
- تأمین نیازهای مادی کارمندان دولت ۱۵۸
- نظام بازرسی در حکومت اسلامی و... ۱۵۹
- اهمیت کشاورزی و مفهوم اصطلاحی خراج ۱۶۲
- تلاش دولت در جهت تقویت کشاورزی ۱۶۴
- تخفیف در مالیات ۱۶۵
- نتایج بی توجهی به کشاورزان ۱۶۶
- عوامل سقوط و انحطاط حکومت ۱۶۷

- ۱۶۸ بهترین معیار برای گزینش
- ۱۶۹ خوش خدمتیا و شناختهای شخصی را...
- ۱۷۱ تقسیم کار و تعیین مسؤل
- ۱۷۱ تجار و پیشه‌وران و کارگران
- ۱۷۳ محدودیت‌های تجارت
- ۱۷۵ جایگاه کارگران و مستضعفان در جامعه اسلامی
- ۱۷۸ ویژگیهای حاکم مردمی
- ۱۷۹ رمز پیروزی مسؤلان در کارهای اجرایی
- ۱۸۰ خودسازی، بهترین راه جلوگیری از عملزدگی
- ۱۸۲ ثمره مردمی بودن و مفساد جدایی از آنها
- ۱۸۴ هدف، پیاده شدن احکام الله است
- ۱۸۶ مساوات در برابر قانون
- ۱۸۷ توجیه اصولی مسائل
- ۱۸۸ صلح و زندگی مسالمت آمیز
- ۱۹۰ وفای به عهد
- ۱۹۴ استقرار حکومت باسفاکی و خونریزی ممکن نیست
- ۱۹۷ درمان اعجاب و خودپسندی
- ۲۰۰ تصمیم گیری موفق
- ۲۰۲ یاد آخرت، راه جلوگیری از هواهای نفسانی
- ۲۰۳ عبرت پذیری و حرکت بر اساس قرآن و سنت
- ۲۰۵ شهادت، پایان راه

پیشگفتار

مختصر آشنایی با زندگی مؤلف

آیت الله حاج شیخ محمد فاضل موحدی لنکرانی (قفقازی) که امروز از نام آورترین مردان علم و ایمان و عمل و از مدرّسین بزرگوار و نام آور حوزه علمیه قم می باشد، به سال ۱۳۱۰ دیده به جهان گشود. پدر بزرگوارش حضرت آیت الله فاضل لنکرانی نه تنها یک روحانی جلیل القدر، که اساساً از محترم ترین بزرگان و اساتید حوزه علمیه قم به شمار می رفت. آن بزرگمرد که از مهاجرین قفقاز بود و سالها در مشهد مقدّس و حوزه علمیه زنجان به تحصیل و تدریس اشتغال داشت، یک سال بعد از تأسیس حوزه علمیه قم - به دست توانای حضرت آیت الله حاج عبدالکریم حائری یزدی رحمة الله علیه - وارد قم و حوزه علمیه مقدّسه آن گردید. در همان آوان با یکی از خاندانهای اصیل وصلت کرد و از این وصلت، فرزندان نیکوتبار بوجود آمدند و بدینسان، استاد عزیز ما، آیت الله حاج شیخ محمد فاضل موحدی لنکرانی، که چهارمین فرزند چنان خاندانی و تنها فرزند روحانی چنان پدری است، در خانواده علم و تقوی و روحانیت تولّد یافت.

استاد از همان سالهای کودکی، که سخت تحت تأثیر جاذبه و معنویت پدر قرار گرفته بود، دلباخته راه او شد و در آن عوالم پاک و بی آرایش کودکی تصمیم گرفت روش زندگی پدر را سرمشق خود قرار دهد و به عالم روحانیت پیوندند.

به محض آنکه دوره شش ساله تحصیل ابتدایی را به پایان برد، با آنکه در رشته تحصیلات جدید رشد و توفیق بسیار به دست آورده و هوش و استعداد فراوان بروز داده بود، یکباره از ادامه تحصیل در مدارس جدید چشم پوشید و به جامعه طلاب علوم دینی پیوست.

در آن زمان درست ۱۳ سال از عمرش می‌گذشت، اما یک دنیا شور و علاقه به راهی که در پیش گرفته بود، در دلش شعله می‌کشید. علاوه بر تمام جاذبه‌هایی که دنیای ساده و بی آرایش و در عین حال سرشار از عمق و معنویت طلبگی برایش به همراه داشت، عامل دیگری نیز که دست سرنوشت در کنارش قرار داد و باعث شد تا نوجوان پرشور، راه خود را با عشق و علاقه بیشتری ادامه دهد، آن بود که یکی از دوستان بسیار عزیز دوران تحصیلات ابتدایی که با او سابقه دوستی و ارتباط معنوی و عاطفی داشت — مرحوم آیت الله حاج سید مصطفی خمینی فرزند ارشد امام امت — در اینجا نیز درست در کنار او قرار گرفت و آنها به عنوان دو رفیق شفیق و دو همراه و همقدم عزیز، این راه صعب و طولانی و در عین حال شیرین و دل‌انگیز را با هم ادامه دادند. به قول خود استاد: «وجود این دوست عزیز در شدت علاقه ما به راهی که در پیش گرفته بودیم، نقش مهمی داشت. و از همان اوان به کمک یکدیگر و به عنوان دو هم‌مباحثه مشغول تحصیل شدیم».

از آنجا که عشق، راهنمای استاد، و شور و علاقه، چراغ راهش بود، تحصیلات دینیش با سرعتی بسیار پیش می‌رفت، بطوریکه دوره‌های ادبیات و سطوح را که معمولاً طلاب دیگر در ۸ یا ۹ سال به پایان می‌بردند، وی تنها در مدت ۶ سال گذرانید؛ از اینرو هنگامی که درست ۱۹ سال از سنین عمر را پشت سر نهاده بود، وارد آخرین مرحله تحصیلات حوزه‌ای (درس خارج) گردید.

وقتی این جوان ۱۹ ساله در درس خارج، آن هم درس خارج مرحوم آیت الله العظمی بروجردی که بسیار سنگین و در سطح بالایی بود،

شرکت می‌کرد، می‌توان گفت که جوان‌ترین شاگرد آن جلسات بود؛ از اینرو قیافهٔ جوان او در میان سایرین سخت جلب توجه می‌کرد، بطوریکه چه بسا کسانی هم بودند که به خاطر همین سن و سال کم، تصور می‌کردند شاید او اصلاً قادر به درک و فهم مطالب مطروحه در آن جلسات نباشد. اما چنین تصویری نمی‌توانست جز یک اتهام پوچ و واهی چیز دیگری باشد؛ بویژه آنکه استاد عزیز امروز و طلبهٔ جوان و پرشور آن روز، هر دوسی را که در محضر آیت‌الله بروجردی مطرح می‌شد، همان روز به زبان عربی می‌نوشت و این نشان می‌داد که نه تنها درس را درک کرده بلکه به مفاهیم آن تسلط و احاطه هم پیدا نموده است، بطوریکه چندی بعد، روزی که مرحوم آیت‌الله بروجردی در منزل پدری استاد، همان نوشته‌ها را ملاحظه کرده بودند، خطاب به پدر بزرگوار آیت‌الله فاضل فرموده بودند: هیچ فکر نمی‌کردم که وی با این سن و سال اندک بتواند به این خوبی به تمام رموز و خصوصیات درسها آشنا باشد و مخصوصاً آنها را در قالب عباراتی جالب توجه از نظر تفهیم و تفهم و آنهم به زبان عربی به رشتهٔ تحریر درآورد.

در همان ایام بود که امام امت و رهبر کبیر انقلاب اسلامی، تدریس یک دوره علم اصول را آغاز کردند و شیفتگان فراوانی گرد شمع وجود ایشان جمع شدند تا از محضر گرانبار ایشان فیض بگیرند. یکی از پرشورترین آن افراد نیز آیت‌الله فاضل موجدی لنگرانی بود. استاد، آن روزها ضمن شرکت در درس مرحوم آیت‌الله بروجردی، در جلسات فیض بخش امام امت نیز شرکت می‌کرد، و بدینسان یک دوره اصول کامل از مباحث الفاظ و مباحث عقلیه را در محضر امام امت گذرانید که حدود هفت سال بطول انجامید. همچنین امام امت، در کنار درس اصول، یک دوره درس فقه هم از کتاب طهارت آغاز کردند که از همان نخستین روز، استاد در آن جلسات نیز شرکت می‌جست و درس فقه امام امت را نیز با دقت و هوشیاری و تیزی بی‌خاص خود ضبط و ثبت می‌کرد، بطوریکه حاصل این نوشته‌ها به چند جلد کتاب بالغ می‌شد.

بدینگونه استاد که عمر پرثمرش را در راه تحصیل علم و تدریس آموخته‌ها و اندوخته‌های خود گذرانیده است، در سالهای جوانی حدود

۱۱ سال در درس مرحوم آیت الله بروجردی و حدود ۹ سال نیز مجموعاً در درسهای فقه و اصول امام امت شرکت داشت و از آن خرمناهای پرفیض، دامن دامن توشه برمی‌چید...

از اینها گذشته، استاد که عشق علم و آموزش تمام زندگیش را سرشار کرده بود، در کنار درسهای فقه و اصول، چند سال از عمر پرثمرش را نیز در درسهای فلسفه و حکمت گذرانید. در این رشته استاد او، بزرگمرد تفسیر، استاد کم نظیر، مرحوم علامه طباطبایی بود که وی در محضر پر بارش طی سالها، قسمتی از مباحث منظومه سبزواری و سپس کتاب اسفار ملاحظه‌های شیرازی را تعلیم گرفت. البته در کنار همه اینها در مباحث دیگری چون بحثهای مسائل عقیدتی و نیز مباحثی از درس اخلاق شرکت می‌کرد و از استادان دیگری هم به طور پراکنده بهره‌گیری و کسب فیض می‌نمود.

استاد بر اساس هوش سرشار و کم نظیری که داشت بسیار زود و سرعت به درجه اجتهاد رسید. پس از آنهمه تحصیل علوم و معارف اسلامی، بویژه پس از ۱۱ سال تعلیم مداوم در محضر درس آیت الله بروجردی و ۹ سال شرکت عاشقانه در محضر دانشمند آفرین و مکتب انسانساز درسهای امام امت، وقتی هنوز جوانی ۳۰ ساله بود دیگر به تقلید نیاز نداشت؛ از اینرو اگر در زمان حیات آیت الله بروجردی و سالهای مرجعیت آن بزرگوار به تقلید از ایشان می‌پرداخت، پس از وفات آن پیشوای جهان تشیع، دیگر به استنباط خود متکی شد و غوامض امور و رموز مسائل دینی و مذهبی را به اجتهاد خویش از پیش پای برداشت.

نکته‌ای دیگر که در زندگی استاد جلب توجه می‌کند، این است که از نخستین سالهای جوانی، همواره تحصیل و تدریس به موازات یکدیگر در زندگیش جریان داشته است: وی در سالهای دوم یا سوم تحصیل یعنی در حدود ۱۵-۱۶ سالگی، ضمن آنکه خود به عنوان شاگردی مشتاق و جوینده در محضر درس بزرگان حاضر می‌شد، در عین حال به موازات آن به عنوان مدرّسی پر شور و پوینده، جلسات درس تشکیل می‌داد و به تعلیم گروههایی از طالبان علم می‌پرداخت.

جلسات درس استاد، از آغاز، جلساتی گرم و شوق‌انگیز بود و عده

زیادی از رهروان طریق علم و ایمان، در آن جلسات شرکت می‌کردند، و جالب آنکه غالباً در این جلسات، کسانی سراپا گوش به درسهایش دل می‌سپردند که همگی از لحاظ سن و سال بزرگتر از استاد خود بودند؛ استادی بسیار جوان که وقتی در برابر شاگردانش ظاهر می‌شد، برای تماشاگری که از دور شاهد صحنه بود، باورکردنی به نظر نمی‌رسید که این دانشمند جوان، آنهمه افراد سالمندتر از خود را تعلیم می‌دهد و از گوهرهای نهفته در سینه آتش آلودش به آنان بهره می‌رساند. در آن سالهای ۱۵-۱۶ سالگی عده شاگردانش غالباً به ۷۰-۸۰ نفر می‌رسید و هنگامی که به ۱۹ سالگی رسید، دیگر جلسات درسش آنقدر گسترش یافته بود که بیشتر اوقات صدها نفر در محضر درس وی حاضر می‌شدند، تا جایی که وقتی به تدریس «کفایة الاصول» (آخرین کتاب سطح عالی و دشوارترین کتاب آن دوره) پرداخت، قریب ۶۰۰-۷۰۰ نفر پای درسش می‌نشستند و چون مطالب آن جلسات بر روی نوار ضبط می‌شد، هنوز هم آن نوارها مورد مراجعه طلاب جوان و کفایه‌خوان است. و بالأخره هم اکنون قریب ۱۳ سال است که استاد، به تدریس خارج اشتغال دارد و گروه کثیری از فضلا که غالباً مردانی عالم و آگاه و دارای تحقیقات و تألیفات هستند و به نوبه خود به تدریس عده زیادی اشتغال دارند، در جلسات درس خارج استاد شرکت می‌کنند و از چشمه جوشان علوم و فضایل وی سیراب می‌گردند.

تألیفات استاد

استاد، نگارش مسائل و معارف و تألیف کتب ارزنده علمی و اسلامی را نیز از همان سالهای جوانی آغاز کرد. نخستین تألیف وی که براساس درسهای آیت الله بروجردی نگارش یافته و حاصل ۸ سال شرکت مداوم وی در آن جلسات بود، به نام «نهایة التقریر» چاپ و منتشر شد. این تألیف که حدوداً در ۵۰۰ صفحه تنظیم شده بود، ابتدا از نظر آیت الله بروجردی گذشت و سپس با موافقت کامل ایشان به چاپ رسید. در آن زمان، بیش از ۲۶ سال از عمر استاد نگذشته بود.

چند سال بعد نیز جلد دوم «نهایة التقریر» چاپ و منتشر شد. این دو جلد تألیف و نگارش، حاوی مجموعه کتاب «صلوة» است که مرحوم آیت الله بروجردی بحث کرده‌اند. از این میان باید بحثهای نماز مسافر و نماز جمعه را جدا کرد. اگر این سه جلد کتاب را کنار یکدیگر بگذاریم، تمامی بحثهای کتاب «صلوة» مرحوم آیت الله بروجردی را که در مدت ۸ سال تمام مطرح و بحث و تدریس شده است، دربر خواهد گرفت.

استاد، تألیفات ارزنده‌ای نیز از مباحث مطروحه در جلسات درس امام امت به نگارش درآورده که مشتمل بر قسمت اعظم درسهای فقه و اصول معظم له است، بطوریکه می‌توان گفت حدود دو ثلث از مباحث علم اصول - اعم از مباحث الفاظ و مباحث عقلیه - را که امام امت مطرح و بحث می‌فرمودند، به قلم آورده و نیز از مباحث فقهی امام، حدود ۵ جلد کتاب ارزنده تألیف و نگارش کرده است.

بزرگترین و ارزنده‌ترین تألیف استاد، کتابی است که سالهای بسیاری از عمر گرامی ایشان بر سر آن گذاشته شده و البته هنوز هم کار نگارش آن ادامه دارد. این تألیف گرانقدر و پر دامنه، با ماجرای جالب و داستانی از گوشه‌های تاریخ معاصر کشورمان نیز همراه و توأم است، یعنی با ماجراهای مبارزات طولانی و پرثمر امت شهیدپرور و بخصوص جامعه روحانیت مبارز و آگاه که سالهای سال، در گیرودار آن مبارزات جانانه، با بند و زنجیر زندان و شکنجه و تبعید دست به گریبان بودند. در همان ماجراها، استاد گرامی ما نیز به عنوان یکی از مبارزان سرسخت روحانیت، از سوی رژیم سفاک دستگیر و به نقاط مختلف تبعید شد. یکی از تبعیدگاههای وی شهر قهرمان پرور یزد بود که استاد حدود دو سال و نیم از عمر عزیزش را در آنجا سپری کرد. در آنجا استاد تصمیم گرفت تا با استفاده از فرصت، دست به تألیف اثری بزرگ بزند و براین اساس، نوشتن شرحی بر کتاب گرانقدر «تحریر الوسیله» اثر امام امت را وجهه همت خویش قرار داد. بدین ترتیب، آن سالهای رنج و روزهای درد و ملال، با نگارش این تألیف بزرگ، به روزهای سرشار از معنویت و به ایام پرثمر و بارآوری

مبذل شد که در طول آن، استاد حدود ۵ جلد از شرح کتاب تحریر الوسیله را به رشته تحریر کشید. چنانکه گفته شد کارنگارش این شرح پدramنه و ارزنده هنوز هم ادامه دارد و پیش بینی می شود که تمامی آن، به فضل و عنایت الهی بالغ بر ۴۰ جلد کتاب خواهد شد. در حال حاضر ۱۲ جلد از این کتاب به پایان رسیده که دو جلد آن نیز با عنوان «تفصیل الشریعه فی شرح تحریر الوسیله» چاپ شده است. تألیف دیگر استاد، کتابی به نام «مدخل التفسیر» است که سلسله درسهای استاد در روزهای تعطیل را که برای قشروسیعی از طلاب مطرح و بحث شده است، دربرمی گیرد. این کتاب حاوی سه بحث در موضوعات اعجاز قرآن، قرائتهای مختلف قرآن و عدم تحریف قرآن است و استاد یادداشتهای مربوط به این مباحث را نیز در همان ایام تبعید، به صورت کتابی در ۳۰۰ صفحه تنظیم کرده و پس از دوران تبعید به چاپ رسانده است.

از دیگر تألیفات ارزنده استاد، کتابی است که با شرکت مرحوم آیت الله اشراقی، داماد امام امت، نگاشته شده است. این کتاب در بردارنده بحثهای مربوط به مسائل امامت از نظر قرآن کریم است که در دو جلد، یکی با عنوان «ائمه اطهار یا پاسداران وحی از نظر قرآن» و دیگری با نام «چهره های درخشان در آیه تطهیر» چاپ و منتشر شده است. بحثهایی که در این دو کتاب مطرح شده، چنان دقیق و عمیق و مستند به اسناد و مأخذ و منابع درجه اول و معتبر اسلامی است که به اعتقاد صاحب نظران هرکس بدون تعصب و فارغ از قید و بند پیشداوریهای غلط، این بحثها را مطالعه کند، علاوه بر آنکه با مسائل مهمی در ارتباط با اصل و شرایط امامت و علم امام از نظر قرآن کریم آشنا می شود، امامت ائمه معصومین علیهم السلام را نیز با جان و دل پذیرا خواهد شد و برآستی، ای کاش روزی فرارسد که تمامی مسائل دینی و مذهبی و اعتقادی و مکتبی، از پس پرده تعصبها بیرون آید و روشن و زلال، روح و جان و فکر ائمه های روشنگر و ارزنده دارد که حقیقت و معرفت سیراب کند. البته در کنار این تألیفات، استاد نگارشات دیگری نیز به صورت رساله های روشنگر و ارزنده دارد که هر کدام، مسائل گوناگونی را مطرح می کند و نکته های متعددی را

برمی‌گشاید.

آری، این است فشرده زندگی یک روحانی آگاه، یک عالم دینی، یک مدرس بزرگ، یک استاد ارزنده. زندگی چنین شخصیتی چه می‌تواند باشد، جز تلاش و تلاش، جز جستجو و تحقیق، جز مطالعه و تفحص، جز تحصیل و تحصیل، و در کنار اینها تدریس و تألیف و آموزش دادن آموخته‌ها به طالبان دیگر و بیرون ریختن گوهرهای علم و فضیلت از دریای موج سینه‌ای متلاطم، و بر فراز همه اینها سایه‌ای دل‌انگیز از معنویت و سادگی و قناعت.

مبارزات سیاسی استاد

یکی دیگر از مهمترین فرازهای زندگی استاد، زندگی سیاسی و مبارزاتی ایشان است. از همان زمانی که امام امت مبارزه وسیع و عمیق مذهبی - سیاسی خود را آغاز کردند و علیه ظلم و فساد و کفر و استکبار قیام نمودند، استاد نیز به پیروی از معلم کبیرش قدم در این راه نهاد و مبارزات سیاسی خود را شروع کرد. استاد که از شاگردان پرشور امام و از معتقدان بی‌ترلز و سرسخت ایشان بود، از همان ابتدا قدم به قدم به دنبال امام، راه می‌سپرد. این مبارزات، هم به صورت فردی و هم به عنوان عضوی از اعضای جامعه مدرسین حوزه علمیه - که در آن زمان فعالیت چشمگیر و پرتیری داشت - صورت می‌گرفت و به همین جهت، از همان آغاز، مسأله اتحاد و اتفاق و یکپارچگی و وحدت کلمه - یعنی همان چیزی که رمز مهم پیروزی انقلاب اسلامی بشمار می‌رفت - در مبارزات استاد، نقش اساسی و تعیین کننده‌ای داشت.

در ارتباط با همین فعالیتها و مبارزات بود که بارها از طرف رژیم سفاک دستگیر شد؛ بارها به بازجوییهای بیدادگرانه فرا خوانده شد؛ بارها طعم زندان و شکنجه دژخیمان ساواک را چشید و سرانجام نیز به بدآب و هواترین نقاط کشور تبعید شد. نخستین تبعیدگاه وی بندر لنگه بود که در بیداد گرمای تابستان به آنجا فرستاده شد. استاد حدود ۴ ماه را در آن منطقه نفس بُر، در گرمای سوزان و شرعی خفقان آور آن

گذرانند؛ ۴ ماهی. که به قول خود استاد، می‌توان گفت به اندازه تحمل ۴۰ سال رنج و ناراحتی و مرارت بود، سپس استاد را به منطقه کویری یزد تبعید کردند و دو سال و نیم نیز از عمر شریفش در اقامت اجباری آنجا سپری شد. در این دو سال و نیم، چنان سختیها و مصائبی را از سرگذرانند که عبارت «غیر قابل توصیف» نیز برای آن کم است. منتهی استاد از این دوره تبعید نیز به نیکوترین وجه استفاده کرد؛ یعنی علاوه بر تحقیقات علمی و تألیفات و نگارشات با ارزشی که در آن خلوت رنج آلود داشت، کار مهم دیگرش این بود که با کمک شهید محراب آیت الله صدوقی، به طور مخفیانه با مردم یزد دیدارهای سازنده و برخوردهای پرثمری ترتیب داده و با روشنگری و بیدارسازی مردم، آنان را در مسیر مبارزات امام امت قرار می‌دادند، بطوریکه در روزهای اوج انقلاب، مردم یزد از جمله پشیمانترین مبارزان شهیدپروری بودند که با مشت خالی به جنگ توپ و تانک و گلوله رفتند و با نثار صدها شهید، دلاورانه در این راه ایستادگی کردند و گامهای بلند و مؤثری در راه پیروزی انقلاب برداشتند.

سرانجام دوره تبعید تمام شد، همانطور که دوره ظلم و کفر و استکبار هم تمام شد. فسق و فجور و خفقان رفت و پاکی و آرامش و آزادی آمد. ظلم کفر ناپدید شد و آفتاب درخشان و هستی بخش اسلام از پشت ابرها بیرون آمد و تابیدن گرفت؛ آفتابی که می‌رود تا سراسر عالم را در طیف رنگارنگ روشنایی دلپذیرش، رنگ و جلوه‌ای دیگر دهد. اما چه ما که امروز از نور و گرمای این آفتاب عالمتاب برخورداریم، و چه آنهایی که در آینده‌ای نه چندان دور شکوه این آفتاب را خواهند یافت، هرگز نباید فراموش کنیم که مردانی چون استاد، در کنار زدن آن ابرهای تیره از مقابل آفتاب حقیقت، چه نقش بزرگی داشتند.

درباره متن حاضر

پس از انقلاب شکوهمند اسلامیمان، استاد که پیشاپیش حرکت‌های انقلابی مردم قرار داشتند و نیاز شدید جامعه انقلابی را به فرهنگ اصیل اسلامی احساس می‌کردند، در کنار دیگر درسهای حوزه‌ای خود،

در دفتر تبلیغات اسلامی قم برای عده‌ای از شاگردان مکتب امام صادق علیه السلام و روحانیون حوزه علمیه، درس نهج البلاغه علی علیه السلام را آغاز کردند. در این درس، موضوعی که توسط استاد انتخاب گردیده فرمان علی علیه السلام به مالک اشتر نخعی است. این درسها توسط دفتر تبلیغات اسلامی از نواریاده شده و سپس در جزوه‌ای تکثیر و در اختیار طلاب حوزه علمیه قرار می‌گرفت. اینجانب مصمم شدم برای بهره‌گیری خود و طالبان مشتاق، جزوه‌های درس استاد را جمع‌آوری و تدوین و به صورت کتاب منتشر سازم و آن را در دسترس همگان قرار دهم. نکته‌ای که حتماً باید بدان اشاره کرد این است که من دریافته‌ام که این مباحث، با آنکه به آنچه از محضر خود استاد آموخته‌ام به خود اجازه داده‌ام که در شکل بیان و لحن این مباحث، تصرفی بسیار ناچیز و اندک روا دارم؛ به این معنی که به قصد همگانی‌تر ساختن فواید این بحثها، از قالب و قالب مرسوم و رایج بیان استفاده کرده‌ام و از اینرو، بدون آنکه به متن اصلی بحثها خللی وارد آید، کوشیده‌ام تا لحن درس و بحث را هرجا که صورت محاوره‌ای و گفتاری داشته است، به صورت لحن کتابی و بیان نوشتاری درآورم. با این حال، صمیمانه اعتراف می‌کنم که در سراسر این کتاب، آنچه از محاسن و فواید و امتیازات ملاحظه شود، از برکات علم و دانش استاد است، و آنچه نقص و قصور و کمبود وجود داشته باشد، مربوط به من و از بی‌بضاعتی علمی من است.

حسین کریمی